معرفی و بررسی کتاب محمد (ص) در اروپا ما از برون در شده معزور صد فریب

زاده گرجی، ابراهیم

انسان‏های بزرگ، تحول‏گرا و نوآور همواره در مظان اتهام، تحریف گفتار و کردار، شماتت، تهمت، ایذا و ترور شخصیت و ترور فیزیکی بوده‏اند. روشن است که هر یک از آنان در رفتار و کردار و تعاملات تحول‏گراتر و موءثرتر بوده‏اند در معرض ابتلاها و ایذا و آزارهای شدیدتر قراردارند و امکان ترور فیزیکی‏شان نیز محتمل‏تر به نظر می‏رسد.

بدون شک هیچ یک از انسان‏های بزرگ و نوآور و احیاءگر مانند پیامبران الهی دچار گرفتاری و آزار نشده‏اند، زیرا حرکت آنان عمیق‏تر و ایده آنان دگرگون‏سازتر بوده است، به یادآورید واقعه دردناک زندگی نوح پیامبر(ع)، ابراهیم خلیل‏الرحمان(ع)، موسی کلیم‏الله(ع)، عیسی روح‏الله(ع) و محمدرسول‏الله(ص) را. صرف خواندن سرگذشت آنان، آدمی را پریشان و اندوهگین می‏کند. خواندن همراه با تفکر و تصویرسازی مشقاتی که بر آنان گذشته، کوه سنگین رنج و همدردی را برجان آدمی آوار می‏سازد. اما آموزنده و عبرت‏انگیز است که پیامبران الهی، در قالب انسانی، توانسته‏اند آن همه نامردمی و اذیت و آزار را تاب آورند و شگفت‏آورتر به پیروزی‏های بزرگی دست یابند که همچنان ادامه دارد و به اصطلاح بشر خلاق و عالم و دانشمند و مبدع عصر حاضر نیز، انگشت حیرت به دندان گزد!

نکته جالب توجه و بسیار با اهمیت این است، در تمدن امروز که از نظر کشفیات علمی و تسخیر زمین و آسمان و به طور کلی هستی، اوج تمدنی و علمی تمام اعصار به حساب می‏آید، رفتاری با انسان‏های بزرگ و بزرگتر از همگان، پیامبران الهی، بویژه برگزیده خاص خداوند، پیامبر اسلام(ص) دارند که تفاوت ذاتی با رفتار موهن عصر معروف به جاهلیت و دوران بت‏پرستی و دخترکشی ندارد. گزارشی که قرآن کریم در این زمینه می‏دهد، امروز نیز قابلیت تعمیم و تطبیق دارد.

نکته اساسی این است که پیامبران، دیگر حضور فیزیکی ندارند اما به خواست خداوند- بیرون از حیطه تصرف آدمی و قدرت علمی‏اش- همه جا، حضور «حاضر غایب» دارند و همچنان کار آمد و موءثرند.

نمونه‏هایی از برخورد بت‏پرستان و مشرکان عصر جاهلیت با پیامبران از جمله پیامبر اسلام(ص) در قرآن از باب تذکر آورده می‏شود:

یقولون انه لمجنون (قلم/52)، فقال الکافرون هذا ساحر کذاب(ص/4) (از آیه6 همین سوره. اتهام بدعت‏گری نیز برمی‏آید و از آیه قبل نیز تعجب می‏کنند از این که پیامبر، خدایان متعدد رایگانه می‏گرداند و توحید محض را جایگزین شرک می‏سازد)

قال الملامن قومه انا لنریک فی‏ضلال مبین (اعراف/59)، انا لنریک فی‏سفاهه و انالنظنک من الکاذبین (اعراف/65)، قال الملامن قوم فرعون ان هذا لساحر علیم(اعراف/107)، و قال الملامن قوم فرعون اتذر موسی و قومه لیفسدوافی الارض و یذرک والهتک (اعراف/125)، و قال الذین کفروا، ان هذا الاافک افتریه و اعانه علیه قوم آخرون، فقدجاءوا ظلماً وزورا (فرقان/6)، وقالوا اساطیرالاولین اکتتبها فهی تملی علیه بکرة و اصیلا (فرقان/7)، و قالوا ما لهذا الرسول یا کل الطعام و یمشی فی‏الاسواق لولا انزل الیه ملک فیکون معه نذیرا (فرقان/9)

... و قال الظالمون ان تتبعون الارجلا مسحورا (فرقان/10)، ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشرلسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین (نحل/106)، ولقد جاء هم رسول منهم و کذبوه فاخذ هم‏العذاب و هم‏ظالمون (نحل/115)، ام یقولون شاعر نتربص به ریب المنون (طور/31)، قالوا انما انت من المسحرین (شعرا/186) و ما انت الا بشر مثلنا و انت نظنک لمن الکاذبین (شعرا 1/186)، ان شانئک هوالابتر (کوثر3)

خداوند در قرآن فقط اشاره به معاندان و مشرکان عصر پیامبران و زمان نزول آیات قرآن ندارد بلکه به جریان تاریخی آینده‏نگر اشاره می‏کند و صفوف رسولان خود و پیروان آنان را از صفوف معاندان و مشرکان و رهبرانشان جدا و هر یک را به آیندگان می‏شناساند.

بنابراین عجیب نیست سلسله روات شیطانی در هر زمانی متناسب با ابزار همان دوره اقدام کند اما کنه عمل، از ریشه خبیثه‏ای تغذیه می‏شود.

ء

محمد(ص) فرزند عبدالله و آمنه، مورد اعتماد و احترام اهل مکه قبل از رسیدن به مقام رسالت از رسول خداوند در 40سالگی، پس از آن نیز کسی نتوانست خدشه‏ای به استمرار اعتماد و پاکدامنی و راست‏کرداری وی وارد سازد، مخالفت و دشمنی با آن حضرت ریشه فکری، سیاسی و اقتصادی داشت که دو عامل اخیر نیز به عامل اصلی یعنی فکر و فرهنگ بازگشت می‏کند. پس از آن نیز از جمله

درحوزه رونق مسحیت بویژه درجغرافیای اندیشه و اقتدار مسیحیت متأثر از هدف‏های امپراتوری روم، ابعاد سیاسی و نظامی و اقتصادی مشخصی با شدت و ابعاد فزونتر یافت و از جنبه نظامی و برخورد مسلحانه این حوزه جغرافیایی و تاریخی دوره 200 ساله جنگهای صلیبی علیه اسلام و سرزمین‏های تحت حاکمیت مسلمانان نقطه اوج آن است که به شکست مهاجمان صلیبی انجامید.

جریان منحوس چند قرنه استعمار و استثمار غرب مسیحی از جمله در سرزمین‏های مسلمانان و تسلط بلامنازع آنان در حوزه‏های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، نوعی جبران شکست در جنگهای صلیبی و دوران اقتدار امپراتوری عثمانی است. اما نباید از یاد برد که نبرد فرهنگی و تبلیغی تاریخی دراز دامن‏تر، گسترده‏تر و شدت بیشتری نسبت به جنگ و هجوم نظامی غرب مسیحی علیه شرق اسلامی داشته است و جنگ روانی بلا انقطاع و بی‏امان و چندین وجهی کنونی را نیز باید استمرار یک جریان تاریخی به هم وابسته ارزیابی کرد. آگاهی از این جریان، شناخت ابعاد و شیوه این جنگ روانی و سرد، اطلاع از منابع تغذیه اطلاعاتی و مالی و فکری آن و اشراف بر ابزار مورد استفاده این عرصه پیدا و پنهان اهمیت ویژه‏ای دارد. زیرا فضاهای ناشناخته در حوزه جهل‏آدمی قرار می‏گیرند که حوزه‏ای تاریک و نگران‏کننده است، لذا ممکن است سبب ترس شود. در نتیجه جهل و ترس (براداران تنی)، واکنش‏های موضعی انفعالی را بر می‏انگیزند که دفاعی است؛ دفاع بدون تدارک و تدبر قبلی، بدون ابزار لازم و کارآمد و در نهایت شکست خورده!

هیچ رو یارویی بدون اطلاع از امکانات خویش و پتانسیل کارکردی هر یک و نیز از توان و تدارکات نیروی مقابل به سرانجامی نمی‏رسد زیرا در این حالت از امکاناتی که در آن سو برای بهره‏برداری وجود دارد نیز محروم خواهیم ماند و سرپل‏های آماده را از دست خواهیم داد یعنی چنین امکانی به رقیب واگذار خواهد شد.

ء

تا این زمان مقاله‏ها و کتاب‏های بسیاری در ایران ترجمه، چاپ و انتشار یافته که حاوی نگرش مثبت، تأییدی و همدلانه با مسلمانان درباب اسلام و پیامبر اسلام بوده است. خواندن این آثار آن هم از قلم نویسنده‏ای غیرمسلمان بویژه غربی، بهجت‏آور و مسرورکننده می‏نماید. اما بندرت و پراکنده و مختصر و کلی، مکتوبات مترجم چاپ شده است که در بردارنده اندیشه‏های مخالف، نوع مخالفت، روش ابراز مخالفت و علل مخالفت باشد.

به این علت عموم خوانندگان آثار نوع اول (تأیید گرو مثبت‏نگر) ، از دستیابی به اندیشه واقع‏گر و تحلیلی و علت‏یاب مبنایی باز می‏مانند، در سطح می‏مانند و آسیب‏پذیر می‏شوند. در حالی که، مبنا و معیار و الگو رفتار مسلمانان باید قرآن باشد. قرآن کریم حادترین سخنان مخالفان و معاندان علیه پیامبر خاتم (ص) را می‏آورد و به شیوایی و روشنگرانه بدان‏ها پاسخ می‏دهد. طبق همین الگو مکتوبات قرون اولیه اسلام نیز تمام وقایع از مثبت و منفی علیه پیامبر خدا (ص) را ضبط کرده‏اند.

نکته در خور توجه این است که آثار تأیید گرو مثبت به سبب تفوق فرهنگی و علمی مللی که آن کتاب‏ها توسط شهروندان‏شان تألیف و در این جا، یا هر نقطه دیگری از سرزمین‏های اسلامی ترجمه شده‏اند، اسناد خدشه‏ناپذیر درستی قلمداد می‏شوند، یعنی گواه و مهر آنان باید باشد تا ما خود را باور کنیم زیرا به ریشه‏های چنین دریافت‏هایی بی‏توجه مانده‏ایم.

به این سبب که بسیاری از این نوشته‏های تأییدی، در واکنش به هموطنان و همکیشان جاعل‏شان بود، و با این کار خواستند از عذاب وجدان برهند و طرف حقیقت و راستی بایستند.

گرچه پس از انقلاب اسلامی، تغییراتی در رجوع به منابع با انگاره‏های مثبت و منفی گسترش کمی و کیفی درخوری یافته است اما نباید ورود فناوری تازه در عرصه اطلاع‏رسانی را نادیده گرفت که همگان لا بد از پذیرش و استفاده از آنند، در مجموع فضای مناسبی به وجود آمده که باید مناسب‏تر و مستعدتر شود.

ء

به هر حال ترجمه، چاپ و انتشار کتاب «محمد (ص) در اروپا» از سوی موءسسه (روزنامه) اطلاعات حادثه‏ای در این عرصه محسوب می‏شود که تاکنون با استقبال خوب اهل فرهنگ و دانایی رو به رو شده است. اینک که این بنده چاپ دوم آن را در اختیار دارم، شمارگان آن در این چاپ (1050 نسخه) - با عنایت به شمارگان چاپ کتاب در ایران - نشانگر اقبال بدان است. گرچه تاکنون نقد و معرفی مناسبی در مطبوعات نشده است.

کتاب توسط بانویی ایرانی مقیم انگلیس نوشته شده است. ترجمه آن نیز ابتدا به صورت پاورقی در این روزنامه انتشار یافت که نظر بسیاری را به خود جلب کرد.

محتوای کتاب

همانطور که از نام آن بر می‏آید، «محمد در اروپا»؛ نویسنده با هدف پیگیری نوع مواجهه اروپایی‏ها با محمدبن عبدالله (ص) پیامبر بزرگ اسلام‏آن را تدارک دیده است. اما این تصمیم ابتدا به ساکن نبوده است:

«... هنگامی که در حال تحریر کتاب «سلحشوران موءنث خدا: زنان و انقلاب اسلامی» بودم، به کرات با شرح و توصیفات ارائه شده از سوی غربیان روبه‏رو شدم که هر یک مدعی تصویرگری شخصیت و زندگی محمد(ص) بودند. تمامی این تصویرگری‏ها که به وسیله نسل‏های متمادی از نویسندگان اروپایی ارائه شده بود، اسلام و پیامبر آن را به مخاطب غربی معرفی می‏کرد. در طی دوره زمانی بیش از 12 سده دیدگاه و نگرش سخت متعصبانه و غالبا منفی همچنان در غرب ادامه می‏یافت، نگرشی که گستره‏ای عمیق از ضمیر خودآگاه اروپاییان را فرا گرفته بود. در آثار اکثریت قاطع نویسندگان اروپایی محمد (ص) به عنوان مردی متصف به عیوب و نقایص بزرگ اخلاقی ترسیم شده بود. روحانیون کلیسا، تاریخ‏نویسان، شرق‏شناسان، شرح‏حال نویسان، فلاسفه، نمایشنامه‏نویسان، شعرا و سیاستمداران همگی تلاش کرده بودند تا به اسلام و بویژه محمد خصایص و منشی افراطی، بدنام و نامناسب و حتی اهریمنی نسبت دهند. ماهیت نامتغیر شرح و توصیف این چنینی به همان اندازه که نگران‏کننده بود، چشمگیر و درخور عنایت نیز می‏نمود.» (32، پیش‏گفتار نویسنده بر متن انگلیسی)

اندوه‏گنانه این است؛ جو روانی علیه اسلام چنان متعصبانه و دگم بود که حتی افرادی دانشمند مانند ولتر برای این که به مسیحیت و کلیسا و پاپها حمله کنند، محمد(ص) و اسلام را سپربلای خود می‏کردند نمونه آن را در نمایشنامه «محومت یا تحجر» می‏توان یافت و این نمایشنامه که به کرات اجرا و به‏شدت مورد استقبال قرار گرفت، بر شدت کینه و بدبینی اروپایی‏ها علیه پیامبر عزیز اسلام(ص) افزود. ولتر این نمایشنامه را «به دوست خود شاه فردریک کبیر پروس و سپس به پاپ بندیکت چهاردهم1 تقدیم کرد.»(296)

پاپ نمایشنامه را «یک تراژدی بی‏نهایت زیبا»(296) خواند.(2) به این عبارت نیز توجه کنید(290)؛ «هدف مورد نظر «دیدرو» از حملات متعدد خود بر پیکره دین، همان مذهبی بود که از همه به او نزدیکتر بود و بیشتر از همه وی را تحت تأثیر قرار داده بود؛ یعنی دین کاتولیک. اگرچه برای او دشوار بود که مذهب رسمی کشور خود را در اثری چون دانشنامه ) Eacy clopedie( مورد حمله قرار دهد بنابراین چون مونتسکیو و ولتر، دیدرو نیز روش انتقاد در لفافه یا انتقاد غیرمستقیم را در پیش گرفت و اسلام را که به عنوان نمونه‏ای از ادیان وحیانی شناخته می‏شد، به باد انتقاد گرفت و آماج حملات خود قرار داد. از این رو، بار دیگر می‏بینیم که چگونه متفکری اروپایی که قصد و منظورش دراصل بررسی موشکافانه دین و جامعه خود بود، از هدف قرار دادن دین دیگری چون اسلام به نیابت از دین خود دچار هیچگونه ناراحتی وجدان نمی‏شود یا با هیچگونه مشکل مربوط به سانسور مواجه نیست.»(290) زیرا «تنها موردی که اعضای آکادمی‏ها از آزادی کامل قلم برخوردار بودند تا هرچه می‏خواهند در باب آن قلم‏فرسایی کنند دین اسلام و پیامبر آن بود.»(283)

یکی از ارزش‏های محتوایی کتاب «محمد(ص) در اروپا» همین است که دست جریان روشنگرانی معروف و نامدار و تأثیرگذار نه تنها دراروپا بلکه در جهان را رو می‏کند که چگونه جاهلانه و متعصبانه مانند سیاستمداران قدرت‏طلب به شعار «هدف وسیله را توجیه می‏کند» متوسل شدند. به همین سبب این بنده تأکید دارد که مطالعه چنین آثار مستدل که موضوع را از زاویه نگرش‏های مختلف بررسی و ضعف‏ها و نارسایی‏ها را با ارائه اسناد معتبر حلاجی می‏کند، و حقایق را به همین روش مورد ارزیابی قرار می‏دهد و بدین ترتیب سره از ناسره را آشکار می‏سازد، موءثرتر است، آموزه قرآنی همین است و جزء این نیست و باید بدین روش عمل و مسلمانان مطلع و همه جانبه‏نگر و «به حجت قوی» تربیت کرد.

فصول کتاب

کتاب 11 فصل دارد. تدوین فصول تاریخی است. اما سه فصل اول به زندگی حضرت رسول(ص)، پیدایش و رواج اسلام و برخی از مختصات آن می‏پردازد.

عنوان‏های فصول به ترتیب چنین است:

محمد(ص) پیام‏آور مکه(53-91)، حکومت محمد(ص) در مدینه: شکل‏گیری اسلام (93-142)، محمد(ص) در جست‏وجوی معنویت (143-162)، محمد(ص) به عنوان «محوند»: اروپای قرون وسطی و ترس از اسلام (165-203)، محمد(ص) دراروپای پس از رنسانس: تهدید ترکان (205-234)، محمد(ص) به عنوان «ضدمسیح» سرانجام محمد(ص) و اسلام در دوران دین پیرایی مسیحیت (237-269)، اومانیست یا متحجر؟ شکاف در عصر روشنگری (271-324)، محمد(ص) در عصر قهرمان‏پرستی (327-366)، خیال‏پردازی در باب لذت‏پرستی و قساوت: محمد(ص) و اسلام در تصور اروپای سده نوزدهم (369-421)، بازگشت جنگهای صلیبی و جهادها: اسلام در پایان امپراتوری عثمانی (423-466) و از تکریم تا تحریف آشکار: محجمد(ص) در قرن بیستم. (467-508)

در نهایت «کتابنامه» آمده است «فهرست کتاب‏هایی که موءلف در روند پژوهش بدان مراجعه کرده است. این کتابنامه نیز به صورت موضوعی تنظیم شده است و فهرست کتاب‏ها ذیل عنوان‏های

آثار مربوط به زندگی محمد(ص) (شرح حال نامه‏ها به قلم مسلمانان و اروپاییان)، آثار مربوط به تاریخ اعراب و اسلام، آثار مربوط به تاریخ خاورمیانه، فرهنگها و دانشنامه‏هایی که حاوی متونی در باب اسلام و پیامبر اسلام هستند، نمونه‏هایی از ترجمان و تفاسیر قرآن کریم، در باب معنویات اسلام، آثار مربوط به تاریخ اروپا و مسیحیت، آثار مربوط به تاریخ تفکر در اروپا، در باب تصویر اسلام و پیامبر اسلام در نوشتار اروپایی، در باب جنبش‏های انقلابی در اسلام امروز و در باب نقاشان اروپایی قرن نوزدهم مسیحی که مشرق زمین اسلامی را موضوع آثار هنری خود قرار داده‏اند، همچنین باید یادآور شد که ناشر در پایان هر فصل برخی از نکات را که موءلف در آنها دقت کافی نداشته یا بی‏اطلاع بوده یا برای توضیح بیشتر و لازم یادآوری کرده است. یکی از موضوع‏ها همان عدم توجه به مذهب تشیع و منابع شیعی است که می‏توان به یادداشت‏های ناشر بویژه در سه فصل اول نگاه کرد.

امتیازها

همانطور که یادآوری شد، اصل نگارش چنین کتابی که نام اصلی آن «محمد(ص) در اروپا» است و مترجم به درستی در عنوان فرعی «داستان هزار سال افسانه‏سازی و دروغ‏پردازی در غرب» را در صفحه داخلی آورده، بسیار مغتنم و شایان ستایش است، یکی از امتیازهای مهم کتاب تدوین آن به صورت جریان تاریخی است و به صورت مشروح کلید آن از قرون وسطی زده می‏شود و به قرن بیستم می‏رسد و با تشریح و نقد «آیات شیطانی» سلمان رشدی پایان می‏یابد، در حقیقت خواننده فرصت می‏یابد تا با مطالعه این کتاب موضوع عناد جاهلانه با پیامبر رحمت(ص) را پاره‏پاره نبیند بلکه زنجیره‏ای پیش رو دارد که اکثر قریب به اتفاق حلقه‏های آن با هدف کینه‏ورزی و جعل انواع دروغ‏ها بافته شده است و برخی از حلقه‏های نامتجانس در این زنجیره بدلی تک درختی سبز و گشن است در برهوت بی‏آب و علف با جانوران موذی و گزنده سمی.

همچنین روشن می‏شود که دانشمندان بزرگی که شهرت عالمگیر دارند چگونه وقتی به اسلام و پیامبر خدا محمد مصطفی(ص) می‏رسند، انقیاد خود را به عقل و خرد و روشن‏اندیشی در عصر روشنگری و خردورزی حتی از یاد می‏برند و مانند انسان عصر حجر و مشرکان دوران جاهلیت عربستان در عصر ظهور اسلام به ابتدایی‏ترین و کلیشه‏ای‏ترین اصطلاحات با پیامبر رحمت(ص) تهاجم ناجوانمردانه می‏کنند؛ اندوه و افسوس بر آنان! جریانی که هنوز هم در غرب ادامه دارد. مونتسکیو، ولتر، پیربیل، دیدرو، دانته، کانت، فرانسوا را بله، مارتین لوتر (دین پیرای مسیحی و بنیانگذار مسیحیت پروتستان)، و در دوره‏ای گوته (مترجم نمایشنامه ضد پیامبر اسلام ولتر به آلمانی در سال 1800 م.) (321)، لرد بایرون (شاعر معروف انگلیسی)، ادوارد گیبون (مورخ) و دهها نام دیگر.

در این کتاب دوره‏های خاص نیز مورد بررسی قرار می‏گیرد و علل دوری خصمانه و نزدیکی نویسندگان از اسلام و محمد(ص) روشن می‏شود. مثل دوره قهرمان‏پرستی که با هگل آغاز می‏شود و کارلایل آن را به طور مشروح بسط می‏دهد و پیامبر(ص) از این زاویه مورد نهایت ستایش کارلایل قرار می‏گیرد که تا آن وقت نظیری ندارد.

زیرا در این دوره غربی‏ها دنبال «ابرانسان» می‏گردند (فصل هشتم، 327 به بعد) اما در دوره استعمار غرب در سرزمین‏های شرقی و اسلامی همان دوره‏ای که «پرسی شلی» شاعر در «طغیان اسلام»» می‏سراید: «ماه محومت(!) بی‏شک افول خواهد کرد/ درحالی که صلیب مسیحی بر نیمروز جاودان عرش خداچون نقشی درخشان نسل‏های آینده بشر را همچنان راهنماست.»(360)

در این دوره اروپاییان با سرمایه‏های سرزمین‏های استعمار شده در رفاه زندگی می‏کنند لذا به امکانات تجملی و لذت‏آفرین بیشتر روی می‏آورند. و به همین دلیل نویسندگان آنان همراه با نشر کینه‏ورزی دگماتیک خود علیه اسلام، «لذت‏پرستی» از دیار اسلامی سوغات می‏برند و آن را با «قساوت قلب» مسلمانان که سر چشمه آن را - پناه بر خدا- قرآن و زندگی پیامبر خدا(ص) می‏دانند، می‏آمیزند.

دوره‏ای که مبارزات ضداستعماری و بیداری مسلمانان آغاز می‏شود بار دیگر رویکرد جنگطلبانه غرب نیز کلید می‏خورد و اینک پس از پیروزی انقلاب اسلامی (رجوع به فصل یازده)، بار دیگر بازگشت غربی‏ها به دوره جدیدی از جنگهای صلیبی را نشان می‏دهد. چنان که جرج بوش پس از حادثه برج‏های دوقلو در نیویورک (11 سپتامبر 2001) به صراحت از «جنگهای صلیبی» سخن می‏گوید و با تهمت و تحریف و دروغ و هتاکی بر حدت این نزاع می‏افزایند. در حقیقت دوره تازه‏ای از بیماری «اسلام فوبیا» آغاز شده است.

سندسازی‏های غربی‏وار

آشنایی و به عبارت بهتر مرور برخی از تهمت‏ها و دروغ‏ها و سندسازی‏ها که در این کتاب -محمد(ص) در اروپا- آمده، خوب است! در حالی که برای هر مسلمان و انسان حقیقت‏طلبی اندوه‏زا است، اما خبث طینت جاعلان را نشان می‏دهد.

-اغواشدن توسط بدعت‏گزاران مشکوک مسیحی و تبدیل به اغواگرشدن (183/جان دمشقی)

-تهمت فرومایگی اجتماعی و جهل و جنگطلبی و قدرت‏خواهی (184/بیدمعزز)

-تطبیق دجال (ضدمسیح) با پیامبر اسلام(ص) (187)

-تحریف نام ستوده محمد(ص) به محوند ) mahound(، محون ) mahun- mahoun(، محومت ) mahomet(، ماحون ) mahon(، ماخمت ) machmet( در مناطق مختلف اروپا (189) که تعابیر نامناسبی دارد و در تمام نوشته‏های ادبی (شعر، رمانس، نمایشنامه) و غیرادبی تأثیر بسیاری گذاشت (همان)

-جعل نوع خاصی از مردن به دلیل شدت استفاده از نوعی آشامیدنی که به صورت اکید در قرآن ممنوع است(191)

-رئیس تشریفات جهنم بودن و گناهکاران نابخشوده را به رقص فراخواندن (198/ویلیام دنبار بعد دانته)

-افسانه‏سازی مهوع با موضوع تربیت کبوتری توسط رسول خدا(ص) تا از گوش او دانه برچیند و بعد همین کبوتر را به عنوان «روح‏القدس» معرفی کردن (217/رانولف هیگدن که راهبی بندیکتی بود) و از دروغ‏سازی‏های اوست؛ تربیت شتری توسط محمد(ص) که قرآن به گردنش آویخته بود برای تبلیغات (همان)

-استفاده از جادوگری، چاپلوسی و ابزار تحریک‏آمیز برای جلب نظر حضرت خدیجه(س) (219/جان لیدگیت)

-نسبت صرع دادن به خاتم رسولان(ص) (همان)

-نسبت کذب پرستش محمد(ص) از طرف پیروانش (228/کریستوفرمارلو)

آن چه با اندوه یادآوری شد فقط بخشی از دروغ‏پردازی‏ها و جعل نسبت‏ها علیه «اسوه حسنه»، «رحمت برای عالمیان» و «پیغمبری که فقط به وحی سخن می‏گوید» است که در قرون وسطی به اوج رسید و به اصطلاح در عصر روشنگری به زبان خاصی ادامه یافت و در دوره‏های بعد هرگز از شدت آن کاسته نشد بلکه دروغ‏های مدروز بر آنها اضافه گردید و همچنان ادامه دارد. نمونه شاخص آن در کاریکاتورهای روزنامه Jallands postenدانمارک و سخنان پاپ بندیکت شانزدهم، نمودهای بیشرمانه امروزی‏اند.

برخی نام‏های حقیقت‏خواه

اشاره به نام‏هایی که در جهان جهل و خرافه و تعصب، دنبال «حقیقت» رفتند و آنچه یافتند اعلام کردند یا حتی در نیمه راه ماندند، منطبق برراست‏کرداری است.

-جان سگوو یایی (اسقف اسپانیایی)، وی برای راهیابی به کنه اسلام و اهداف محمد(ص) قرآنی را ترجمه کرد و شرحی بر آن نوشت که ترجمه وی از قرآن پس از مرگش (1458) به صورت مشکوکی ناپدید شد. ادامه فعالیت وی را در همین کتاب بخوانید(221به بعد)

-جان سیل (308 به بعد/ وی ذم شبیه به مدح هم کرده است، اما به سبب اعتراف روشن به برخی حقایق، مورد هجوم سخت قرار گرفت. سیل ترجمه‏ای از قرآن به انگلیسی دارد).

-شخصی به نام هنری استاب (311 به بعد وی به سبب نوشتن کتابی با نگرش مثبت درباره اسلام از کارش در کتابخانه بودلیان برکنار شد.)

ویسکونت بولینگ بروک (314/کسی که ولتر بارها با وی ملاقات کرد.)

-آدریان رلاند (314 به بعد/ او نقل می‏کند که استادان دانشگاههای انگلیس دانشجویان را از آموختن زبان عربی منع می‏کردند).

-و دیگرانی که می‏شناسیم از جمله دانشمند بزرگ مرحوم «آنه ماری شیمل» و «سرتوماس آرنولد»(3) و دهها نفر دیگر که بسیاری از آثار آنها به فارسی برگردانیده شده‏اند.

کلام دیگر

متأسفانه این کتاب ارزشمند (گرچه کامل نیست) از داشتن فهرست اعلام محروم است در حالی که تهیه و تنظیم فهرست اعلام ضروری‏ترین بخش یک کتاب مرجع و تاریخی و تحلیلی است. امیدواریم که در چاپ جدید به این مهم توجه شود.

پی‏نوشت‏ها:

1-پاپ بندیکت‏ها چقدر شبیه به همند در طرفداری از دروغ و ناراستی، چهاردهمی مثل شانزدهمی

2-برای اطلاع بیشتر از اندیشه‏های ولتر بویژه نوشته‏هایش علیه اسلام و سرانجام رویکردوی به اسلام به فصل هفتم همین کتاب از ص 295 به بعد و به کتاب ارزشمند «اسلام از نظر ولتر فیلسوف و نویسنده فرانسوی، نگارش دکتر جواد حدیدی» رجوع شود. دکتر حدیدی در این اثر به صورت تاریخی تطور فکری وتهر را نسبت به اسلام و محمد(ص) با عنایت به تمام آثارش بررسی می‏کند.

3-سیر توماس آرنولد، اهل انگلستان، نویسنده کتاب ارزشمند «تاریخ گسترش اسلام»، ترجمه دکتر ابوالفضل عزتی، چاپ اول کتاب در سال 1896 منتشر شد و چاپ بعدی آن در سال 1912 با اصلاحات و اضافات فراوان، این کتاب جوابی است از سوی دانشمندی غربی به ادعای بی‏اساس خود غربی‏ها، در این باره که دین اسلام با شمشیر گسترش یافت. آرنولد در تحقیقی گسترده و با رجوع به منابع مختلف و به زبان‏های مختلف در سراسر جهان به روشنی (که امروز روشن‏تر دلایل یافته‏اند) مدارکی ارائه می‏کند که دین اسلام به سبب محتوای غنی و توحید همه فهم و منطق فطری و از طریق مسلمانان معمولی گسترش شگفت‏انگیز یافته است.